

هو الله - ای منادی میثاق نامهای محرر چون جامهای مکرر...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۶۹

هو الله

ای منادی میثاق نامهای محرر چون جامهای مکرر نشأه صہبا داشت و نفعہ حدیقہ رعنا چہ کہ آثار انجذاب بود و دلیل التہاب بنار محبۃ اللہ جمیع ملاحظہ گردید مضمون معلوم و مراد مفہوم گشت جواب بعضی ارسال شد و اینک جواب مطالب دیگر نیز تحریر میشود در خصوص عقاید مختلفہ در حق این عبد مرقوم نمودہ بودید الیوم تکلیف جمیع یاران الہی در بساط رحمانی این است کہ آنچه شنیدہ و دیدہ و فہمیدہ از عقیدہ بنہند و فراموش کنند و نسیاً منسیاً شمرند و آنچه صریح و وضوح بیان این عبد است قبول کنند و ابواب تأویل و تلویح و تشریح را بکلی مسدود نمایند تا حصن حصین امر اللہ از تعرض مارقین و تصرف مبتدعین محفوظ و مصون ماند و اہل ارتیاب رخنہ نتوانند و بہانہ نجویند و عقائد مختلف نگرند و آراء متعدد نشود و اگر الیوم این اساس عظیم محکم و متین نگرند من بعد صد ہزار رخنہ در بنیان الہی پدیدار شود و اساس شریعۃ اللہ از بنیاد بر افتد آفتاب حقیقت متواری گردد و مہ تابان مختفی شود علم مبین سرنگون گردد و قلوب موحدین غرق خون شود سدرہ منتہی از ریشہ بر افتد و تیشہ در بیشہ جنت اہبی افتد صد ہزار شجر در دمی مقطوع گردد و صد ہزار ثمر در نفسی متساقط و منثور شود نور ہدی غائب گردد و ظلمت دہما غالب شود آیت رحمت منسوخ گردد و امت نعمت مسوح شود



ORIGINAL



AUDIO

لذا باید الیوم سدّ ابواب نزاع کرد و منع اسباب جدال و این ممکن نیست جز آنکه کلّ متابعت مبین کنند و اطاعت مرکز میثاق معین یعنی تمسک بصریح بیان او جویند و تشبث بوضوح تبیان او خواهند بقسمی که لسانشان ترجمان لسان او گردد و خامه‌شان راوی بیان او حرفی زیاده و نقصان نگویند کلمه از تأویل و تلویح و تشریح نیفزایند تا کلّ در ظلّ کلمه وحدانیت محشور گردند و در تحت لواء فردانیت مجموع این امر اهمّ امور و این اساس اعظم اساس و اگر چنانچه دو نفر اختلاف کنند هر دو بیجا زیرا نقضی و خلافی اعظم از اختلاف نه و مشاعر متفاوت اگر ادراکات نفوس مرجع امور شود بیت معمور در لحظه خراب و مطمور گردد و آیت نور منسوخ شود و لیل دیجور مستولی گردد پس ای یاران الهی و حبیبان معنوی بجان و دل گوش کنید و بصریح عبارت این عبد اکتفا نمائید و بقدر خردلی تجاوز نمائید این است عقیده ثابتہ راسخه و حقیقت معتقدات واضحہ صریحه این عبد و اهل ملکوت ابری

که جمال مبارک شمس حقیقت ساطع از برج حقیقت و حضرت اعلی شمس حقیقت لامع از برج حقیقت یعنی آن نور حقیقت و مصباح احدیت در این زجاجه رحمانیت و این مشکوة وحدانیت ساطع و لامع "الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکاة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة کأنها کوكب درّی یوقد من شجرة مبارکة زيتونة لا شرقية و لا غربية یکاد زيتها یضیئ و لو لم تمسه نار نور علی نور" و آن نور حقیقت در وقت واحد و زمان واحد هم در این زجاجه فردانیت ساطع و هم در این مشکاة وحدانیت ظاهر و واضح و لامع ولی مشکاة مقتبس از زجاج چه که نور حقیقت در زجاجه رحمانیت ساطع و از زجاج و هاج فائض بر مشکاة چون سراج و مقام مبشری باین برهان محقق میگردد این مشکاة شمس آفاق است و این زجاج نیر اعظم اشراق این مشکاة مصباح عالم بالا و این زجاج کوكب ملاً اعلی اینست که با وجود وجودشان در زمان واحد و عصر واحد و تعدد بحسب ظاهر باز حقیقت واحد بودند و کینونت واحد جوهر توحید بودند و سازج تفرید چون در نور نگری نور واحد بود چه که در زجاج و مشکاة هر دو ساطع و چون بهویت نگری تعدد مشاهده شود و زجاج و مشکاة بینی

و همچنین این زجاجه رحمانیه و حقیقت شاخصه بدرجه لطیف و نورانی و شفاف و رحمانی که با نور حقیقت بقسمی تعاکس یافته که حقیقت واحدہ تحقق نموده و صرف توحید رخ گشوده . "یکاد زيتها یضیئ و لو لم تمسه نار"

رقّ الزجاج و رقّت الخمر و تعاکسا فتشابه الامر و کأثما خمر و لا قدح و کأثما قدح و لا خمر

نورانیت سراج و لطافت زجاج دست بهم داده نور علی نور گشته. این است که میفرماید "ایاکم ان تذکروا فی آیتین" ای آیه الالهوت و آیه الناسوت. و ما دون این دو شمس حقیقت کلّ عباد له و کلّ بامرہ یعملون. حضرت قدّوس روحی له الفدا هر چند کینونتی بودند که بتمامه از آن شمس حقیقت حکایت فرمودند نور بازغ

بودند و کوکب شارق جوهر تقدیس بودند و سازج تنزیه و البتّه صد هزار اتّی انا الله از فم مطهرش صادر با وجود این کینونه لا تحکی الا عن الله ربّها و کان مظهراً بديعاً و عبداً و فياً و اما مقام این عبد عبودیت محضه صرفه حقیقیّه ثابته راسخه واضحه من دون تأویل و تفسیر و تلویح و تشریح یعنی غلام حلقه بگوش و بنده غاشیه بر دوش تراب آستانم و پاسبان و دربان و آنچه تعریف و توصیف محض عنایت در جمیع الواح و زبر الهی در حقّ این عبد موجود معنی کلّ این کلمه است ”عبدالهاء“ و هر تأویل و تفسیر که حرفی زاید از این کلمه است اتّی بری منه و اشهد الله و انبیائه و رسله و امنائه و اولیائه و اصفیائه و احبائه علی ذلك. من مبین آیاتم اینست بیان من و ما بعد الحقّ الا الوهم المبین ع

